

مشارکت حداکثری و تأمین امنیت

رابطه‌ای مستقیم!



مجموعه جزوات محتوایی
ستاد انتخاباتی ملت امام حسین علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

وضعیت اقتصادی نامطلوب کشور، تورم و بیکاری بالا، بی ثباتی قیمت ها، کمبود مواد اولیه و کاهش سطح رفاه و قدرت خرید مردم و... موجب نارضایتی گسترده در بین مردم شده است. این اتفاقات موجب شده که بدنه قابل توجهی از مردم اعتمادشان را به مسئولین از دست بدهند. بعلاوه که وضعیت کنونی کشور در برخی از مردم ناامیدی و عدم انگیزه برای شرکت در انتخابات را فراهم آورده است.

اینکه چرا این گونه شد محل بحث ما نیست اما آیا مگر از این بدتر هم می شود؟

متأسفانه باید بگوییم بله. اما انتخاب با ماست. نمی‌خواهم بگویم که انتخاب فردی اصلح و کاردان که توان مدیریت و کنترل کشور را دارد و از ظرفیت‌های کشور می‌تواند استفاده کند چقدر در تغییر وضعیت فعلی کشور مؤثر است بلکه روی سخنم با کسانی هست که تصمیم گرفته‌اند که تصمیم گرفتن را واگذار کنند و به پای صندوق رأی نروند. من می‌خواهم بگویم که این کار درستی نیست اما چرا؟

من می‌خواهم از آن فردی که تصمیم به عدم شرکت در انتخابات گرفته است بپرسم که این انتخاب نکردن چه چیزی به شما می‌دهد و چه چیزی را از شما می‌گیرد. آن وقت می‌توان درست تصمیم گرفت که رأی ندادن به صرفه است یا نه!

منی که رأی نمی‌دهم، خودم را شریک جرم و مسبب این وضعیت کشور نمی‌دانم و خیالم آسوده است از اینکه:

من که به این وضعیت رأی نداده ام و در این انتخاب بد سهم نبوده ام. نبود عذاب وجدان و پشیمانی حس خوبی است اما می‌خواهم بگویم اگر این کار را بکنیم وضعیت بدتر را انتخاب کرده‌ایم. اما چطور؟ این همان حرفی است که می‌خواهم در خصوصش صحبت کنیم. برخی از نعمت‌های الهی کاملاً محسوس است و انسان داشتنش را خیلی راحت می‌بیند. مثل رفاه و سفرهای سیاحتی و... اما دو نعمت است که تا وقتی آن را داریم اصلاً دیده نمی‌شود. مثلاً هوا که تا وقتی هست توجهی به آن نیست. آن دو نعمت سلامتی و امنیت است. امنیت و ما ادراک امنیت^۱. تو قدر آب چه دانی

۱. امام صادق علیه السلام از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: *نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ*؛ دو نعمت امنیت و عافیت است که شکرشان به جا آورده نمی‌شود. (خصال، ج ۱، ص ۹۱) عافیت به قرینه آن که در برابر امنیت قرار گرفته در این حدیث به معنای صحت و تندرستی است نه به معنای امنیت.

که در کنار فرآتی! امنیت را کسی می‌فهمد که دختر خردسالش به مدرسه رفت و دیگر به خانه برنگشت. امنیت را آن پدر می‌فهمد که به دختر دانشجویش ۲۵۲ بار زنگ زد و در آخر پیام داد که «جان پدر کجاستی؟!» نمی‌خواهم مرثیه امنیت نداشته همسایه‌هایمان را بخوانم چون که ما خوب می‌فهمیم امنیت چیست، زیرا زمانی از دستش داده‌ایم و آن زمان خیلی هم دور نیست.

در حدیثی دیگر فرمودند: نعمتان مجهولتان: الصحّة والأمان (روضة الواعظین، ص ۴۷۲؛ ریاض السالکین، ج ۳، ص ۸۹).
امام صادق همچنین در بیان ارزش و قدر نعمت امنیت می‌فرماید:
العافیة نعمة خفیة إذا وجدت نسیباً وإذا فقدت ذکرت؛ ایمنی نعمت خفیه است هرگاه وجود داشته باشد فراموش می‌شود و هرگاه از بین برود به یاد می‌آید. (بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۷۱)

امنیت و مشارکت

حالا برویم سر اصل مطلب: امنیت چه ربطی به مشارکت دارد؟

با یک مثال ساده بحث را شروع می‌کنم. شما کی می‌توانید امنیت خود را در برابر خطرات حفظ کنید؟ زمانی که قدرت کافی برای حفاظت از جان و مال خود را داشته باشید. لذا کسی امنیت دارد که قدرت دارد. حالا سؤال این است که عامل قدرت جمهوری اسلامی چیست؟ چه قدرتی توانست جمهوری اسلامی را شکل دهد و حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را با آن برچیند؟ قطعاً قدرت حضور مردم در صحنه و رأی بالای مردم در فروردین ۱۲ موجب تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران شد و بازی جهانی تقسیم قدرت به کشورهای سلطه‌گرو سلطه‌پذیر را برهم زد. چنین امری

در شأن ملت کهن ایران بود، اما پرهزینه هم بود. در این میدان مبارزه بین عوامل قدرت عرفی و ظاهری ایران و امریکا فاصله زیادی است. اگر وسعت، ثروت و جمعیت را مهم‌ترین عوامل قدرت یا ابرقدرتی یک کشور بدانیم طبیعی است که فاصله ایران و امریکا چند برابر است. اما مقاومت ۴۳ ساله ایرانیان از دو عامل قدرت نامتقارن سرچشمه می‌گیرد؛ اول تجربه تاریخی ملت و دوم ایمانی که این ملت بر آن استوار است.

دشمن و رقیب امروز ما - غرب به ماهو غرب - جایگاه مردمی این نظام را از صندوق رأی می‌فهمد.

راهپیمایی روز قدس، یا ۲۲ بهمن و... را امری تبلیغی، هیجانی و توده‌ای ارزیابی می‌کند که در رسانه بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی می‌شود.

اما رأی این‌گونه نیست، جنبه کمی، کیفی و جهت‌گیری

تک تک آرا روشن می شود و میزان مشارکت - که به معنی رفتارندوم به جمهوری اسلامی است - جایگاه دشمن را تنظیم می کند.

این باور ساده اندیشانه به خاطر کم اطلاعی است که هنگام مشارکت پایین (مانند انتخابات ۱۳۹۸) به مثال آوردن از کشورهای اروپایی پناه ببریم.

اندیشمندان شان غربی این هنر را داشته اند که برای مردم انگاره ای بسازند که لیبرال دموکراسی یا سوسیال دموکراسی پایان تاریخ است و مردم هیچ راهی برای رسیدن به نظام سیاسی دیگری سراغ ندارند و نمی بینند؛ بنابراین مشارکت پایین در غرب را مرتبط با ضعف برنامه، قبول نداشتن کاندیدا، نامقبول بودن حزب، بی ربط دانستن سیاست ها و... می دانند، اما در شرق و خصوصاً در ایران اینچنین تحلیل نمی کنند. در غرب به خاطر اینکه پذیرفته اند لیبرال دموکراسی

پایان تاریخ است، چیزی به نام انقلاب، براندازی و اپوزیسیون بی معناست و کاهش مشارکت را در پارادایم فاصله مردم و حاکمیت تحلیل نمی‌کنند، اما در شرق و ایران این‌گونه نیست.

بنابراین، مشارکت حداکثری خصوصاً بعد از سه سال فشار حداکثری آمریکایی‌ها به مثابه میوه چینی ایرانیان یا دشمنان تلقی می‌شود. دشمن می‌خواهد تأثیر فشار خود را ببیند و جمهوری اسلامی می‌خواهد تأثیر فشار دشمن به ناکامی منجر شود.

یک مثال ساده برای فهم رابطه امنیت و مشارکت

شما یک مجتمع مسکونی بزرگ را تصور کنید که در یک منطقه ناامن ساخته شده است. اعضای هیئت‌مدیره مجتمع با اینکه برسر خیلی از موضوعات

با همدیگر اختلاف و یا حتی مشکل دارند برای حفظ امنیت واحدهای مجتمع از خطر سرقت، نگهداری را استخدام می‌کنند. حالا این مجتمع با این وسعت و شلوغی مگر یک نگهبان که در نگهداری نشسته و هرازگاهی در محوطه و راهروها می‌گردد، چقدر می‌تواند خاطر ساکنین رواز خطر سرقت حفظ کند؟ لذا تصمیم می‌گیرند که تمامی ورودی‌ها و مشاعات را دوربین بگذارند تا دائم از مجتمع فیلم گرفته شود. اما اگر سرقت شد و یا مشکلی ایجاد شد، یک فیلم ضبط شده چقدر می‌تواند بازدارنده باشد؟ چقدر فیلم ضبط شده از سرقت‌ها در بایگانی کلانتری‌ها هست مگر چند درصد اموال مسروقه به صاحبانشان برگشته است؟ اموال مسروقه به کنار، حال خانواده‌ای که به خانه‌شان دستبرد زده شده و فشارهای عصبی و هول و تکان مواجه با خانه دزد زده را چه کسی جبران می‌کند؟ اگر

دزد مسلح باشد و حادثه بیافریند چه؟ اصلاً نباید اجازه داد که ناامنی و سرقت ایجاد شود زیرا همیشه گفته‌اند که پیشگیری بهتر و کم‌هزینه‌تر از درمان است. درمانی که شاید با پیگیری و هزاران زحمت و تلاش بخواهیم جبران‌ش کنیم.

حالا همین مجتمع را در نظر بگیرید که تمامی ساکنین دغدغه حفظ و حراست از مجتمع را دارند و نسبت به افراد غریبه و رفت‌وآمدهای مشکوک، بی‌تفاوت نیستند. همین عامل در کنار بقیه کارهاست که می‌تواند مصونیت ببخشد و مجتمع را از گزند هرگونه تهدیدی حفظ کند. درست مثل یک کشور که حضور مؤثر مردم در صحنه‌های مختلف می‌تواند امنیت کشور را تأمین کند. آن‌هم برای کشوری که در منطقه به شدت ناامن قرار گرفته است و در گوشه و کنار دائماً شاهد حوادث ناگوار و ناامنی هستیم.

هر رأی یک ایرانی پیامی به دشمن خارجی می‌دهد که با وجود این همه فشارهای اقتصادی و سیاسی، کارشکنی‌ها و کم‌کاری‌ها، مشکلات و نقص‌ها و... مردم مراقب کشور و سرنوشت خود هستند و کنار نکشیدند تا بیگانگان برای آن‌ها تصمیم بگیرند. اگر فشارهای اقتصادی و فرهنگی و حتی نظامی که هدفشان به‌زانو درآوردن مردم ایران است، باعث گردد که مردم خود را کنار بکشند و با صندوق انتخابات قهر کنند، حامل این پیام است که دشمن پیروز شده و نتیجه آن فشار بیشتر اقتصادی یعنی تحریم ۱۰۰٪ ایران خواهد شد. حتی می‌توانند اجماع جهانی برای مقابله با حکومت غیر مردمی ایران را تشکیل دهند و افکار عمومی جهان را برای جنگ با ایران متقاعد کنند تا برای ایران دموکراسی غربی سوغات بیاورند و مزاحم همیشگی برنامه آمریکا و نظام سلطه در غرب آسیا را

حذف نمایند و نقشه خاورمیانه جدید را در میدان محقق کنند. ایران بدون جمهوری اسلامی دیگر ایران نیست که ایرانستان^۲ خواهد شد و هر قومیت آن را به کشوری کوچک تبدیل می‌کنند که دیگر عددی نباشد تا بخواهد در مقابل آمریکا و استکبار قدم علم کند.

اما وقتی مشارکت در انتخابات بالا باشد کسی به خود جرئت نمی‌دهد در خصوص مداخله در ایران و نظارت بر امور داخلی آن یاوه‌گویی کند. کسی جرئت نمی‌کند ایران را تهدید به جنگ و یا حتی تحریم کند و دشمن می‌فهمد که دیگر اهرم فشار اقتصادی و سیاسی و فرهنگی باعث تغییر رفتار ایران برای پیشبرد اهدافشان نمی‌شود. می‌فهمد که باید تحریم‌ها را که برای خود او هم هزینه هنگفتی دارد کنار بگذارد و ایران به پشتوانه

۲. به نقشه‌ای که برایمان کشیده‌اند مراجعه کنید. نقشه خاورمیانه بزرگ!

رأی مردم می‌تواند در مذاکرات از طرف مقابل امتیازهای بیشتری بگیرد.

فتنه ۸۸ و امنیت

اتفاقی که با روی کار آمدن دولت اوپاما و نامه به او به رهبری در حال رقم خوردن بود. اوپاما ۵ بار به رهبر انقلاب به طور خصوصی نامه نوشت که بار اول آن در زمستان سال ۸۷ بود و دومی در اردیبهشت ۸۸. در این خصوص رهبری در سخنرانی ابتدای سال گفتند: طرف نامه می‌نویسند و ابراز علاقه برای روابط و اظهار احترام به جمهوری اسلامی می‌کنند. رهبری انقلاب با زیرکی تمام برای آنکه زمین‌بازی را خودش تعریف کند در سخنرانی این‌گونه پاسخ می‌دهند که: «حالا دولت جدید آمریکا می‌گوید ما مایلیم با ایران مذاکره

کنیم، بیایید گذشته را فراموش کنیم. می‌گویند ما به سمت ایران دست دراز کردیم. می‌گویند بیایید مذاکره کنیم، بیایید روابط ایجاد کنیم. شعار تغییر می‌دهند. خب، این تغییر کجاست؟ چه تغییر کرده؟ این را برای ما روشن کنید؛ چه تغییر کرده است؟ دشمنی شما با ملت ایران تغییر کرده؟ کو علامتش؟ دارایی‌های ملت ایران را آزاد کردید؟ تحریم‌های ظالمانه را برداشتید؟ از لجن‌پراکنی و اتهام‌زنی و تبلیغات سوء علیه این ملت بزرگ و مسئولان مردمی آن دست برداشتید؟ دفاع بی‌قید و شرط از رژیم صهیونیستی را کنار گذاشتید؟ چه تغییر کرده؟ شعار تغییر می‌دهند، اما در عمل تغییری مشاهده نمی‌شود. ما هیچ تغییری ندیدیم. حتی ادبیات هم عوض نشده است».

نامه اول را رهبر انقلاب پیش از انتخابات ۸۸ پاسخ می‌دهد و نامه دوم که رهبری از آن بانام «نامه فدایت

شوم» می‌کنند حامل تمایل آمریکا به تغییر رویکرد با جمهوری اسلامی و کنار گذاشتن اشتباهات گذشته بوده است. اما داستان با فتنه سال ۸۸ و آشوب‌های خیابانی و دوصدایی در ایران تغییر می‌کند و آمریکا متوجه می‌شود که نباید از مسیر تحریم و فشار برگردد بلکه تحریم و فشار جواب داده است و میوه تحریم قابل چیدن است.

در این رابطه رهبری در جلسه کارگزاران نظام در سال ۹۸ توضیح می‌دهند که: «اوباما که ظاهرش خیلی اتوکشیده‌تر از این‌ها بود یک نامه فدایت شوم برای ما نوشت و بنده بعد از مدتی جوابی به او دادم، بلافاصله نامه دوم را نوشت، می‌خواستم جواب بدهم که فتنه ۸۸ پیش آمد و او با فراموش کردن همه آن حرف‌ها و ابراز ارادت‌ها، با خوشحالی به حمایت و دفاع از فتنه و فتنه‌گرها شتافت.»

این اتفاق نشان می‌دهد که عدم یک‌صدایی و وحدت چطور می‌تواند نتیجه سال‌ها مقاومت و تحمل یک ملت را به باد بدهد. گناه نابخشودنی فتنه‌گران این است که با شکستن وحدت ملی، چالشی بزرگ برای کشور ایجاد کردند که نتیجه آن ناامنی گسترده در کشور، از بین رفتن بستر امن برای فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد رخنه‌های امنیتی، ترور دانشمندان هسته‌ای و افزایش بی‌سابقه تحریم‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت و شکل‌گیری جبهه جهانی علیه کشور است که حتی بعد از گذشت ۱۲ سال از آن همچنان آثارش بر چهره جامعه نمایان مانده. انتخابات به‌دوراز اینکه در فرد انتخابی اختلاف هست اما یک نظر واحد را به جهان مخابره می‌کند و آن این است که با وجود همه اختلافات مردم راه اصلاح از درون را انتخاب کرده‌اند نه دخالت از بیرون.

یک تجربه واقعی: مشارکت پایین و تهدید امنیتی علیه کشور/ هتل میکونوس

شهریور سال ۱۳۷۱ در حالی آستن یک اتفاق بود که دولت ششم ریاست جمهوری ایران وارد سال پایانی خود می‌شد. دولتی که با پایین‌ترین درصد مشارکت دوره‌های ریاست جمهوری پاستور نشین شده بود. هاشمی رفسنجانی با کسب بیش از پانزده و نیم میلیون رأی در یک رقابت صوری با آقای شبانی که کمتر از ۲۴۰ هزار رأی آورده بود توانسته بود رئیس‌جمهور شود و با اصلاح قانون اساسی و حذف نخست‌وزیری عملاً مهم‌ترین فرد نظام بعد از رهبری شود. بی‌توجهی به قشر ضعیف جامعه و ایجاد شکاف طبقاتی، تورم بالای ۲۴٪، محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی و... موجب نارضایتی عمومی و عدم مشارکت مردم شد. این نارضایتی مردم از وضعیت کشور خود را در

انتخابات سال ۷۲ نشان داد که مشارکت در آن به عدد ۵۰٫۷ درصد رسید. عددی که برای کشوری با اتکا به مردم سالاری دینی چندان مطلوب نبود. ده و نیم میلیون رأی رفسنجانی بعد از گذشت ۱۴ سال از انقلاب از رأی بنی صدر کمتر بود.

آن اتفاق تیراندازی در «رستوران میکونوس» در مرکز شهر برلین بود که در آن رهبر مخالفین کرد ایران و چند نماینده حزب دمکرات کردستان ایران کشته شدند. دادگاه قضائی آلمان کاظم دارابی که ادعا می‌شد از عوامل اطلاعات سپاه و سرپرست تیم ترور بوده است را به حبس ابد محکوم کرد. این پرونده که ۴ سال به طول انجامید بهانه خوبی برای آمریکا و اسرائیل فراهم کرد. که آن را به بحرانی برای ایران تبدیل کنند. بحرانی که جبهه‌گیری تمامی دنیای غرب را در برابر جمهوری اسلامی به نمایش گذاشت. آمریکا و اسرائیل با ورود و

فشار به این پرونده آن را از یک پرونده قضائی به یک پرونده سیاسی تبدیل کردند و توانستند روابط خوب ایران و اروپا را از بین ببرند تا جایی که ایران کشوری تروریستی و متهم به راه‌اندازی شبکه ترور در خارج از مرزها شناخته شد. در حکم دادگستری آلمان بازداشت برای وزیر اطلاعات هاشمی به اتهام فرمانده ترور و مقامات ارشد نظام از جمله رئیس‌جمهور وقت، وزیر امور خارجه، فرمانده سپاه و رهبری به‌عنوان اعضای کمیته ترور صادر گردید. این حادثه به بحرانی در روابط خارجی کشور بدل شد به نحوی که ایران و آلمان دیپلمات‌های طرفین را از کشور اخراج کردند. در پی این تحولات اتحادیه اروپا طرف آلمان را گرفت و روابط ایران با اتحادیه به تنش انجامید و سفرای اتحادیه اروپا به کشورهايشان فراخوانده شدند و روابط قطع شد. وزارت امور خارجه طی بیانیه‌ای اقدام شورای وزرای

اروپا را متأثر از تبلیغات صهیونیست‌ها دانست. در این فضا آمریکا تحریم‌ها را علیه ایران افزایش داد که به خاطر سوءمدیریت داخلی در سال ۷۴ موجب رشد بی‌رویه قیمت ارز و ثبت «بیشترین نرخ تورم اقتصاد» با عدد ۴۹٫۷٪ شد که نارضایتی‌ها و فشارهای داخلی را به اوج رساند. اما آنچه فضا را شکست و موازنه قدرت را به نفع ایران تغییر داد مشارکت ۸۰٪ در انتخابات دوم خرداد بود که توانست به تمامی کشورهای جهان بفهماند که مردم ایران هنوز پای نظام هستند. نزدیک ۲۸ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در انتخابات شرکت کردند و خاتمی توانست، بیش از ۲۰ میلیون رأی - حدود دو برابر رأی هاشمی - را به خود اختصاص دهد و به عنوان منتخب مردم راهی پاستور شود. کشورهای اروپایی که منتظر نتیجه انتخابات ایران بودند با مشاهده مشارکت ۷۹٫۹٪ در کشور به اشتباه بودن تحلیل‌هایشان در

خصوص مردم ایران پی بردند. پس از انتخابات دوم خرداد ۷۶ اروپائی‌ها که از قطع روابط با جمهوری اسلامی متضرر شده بودند، تغییر در ریاست جمهوری کشورمان را بهانه قرار داده و اعلام کردند که خواستار ازسرگیری روابط با ایران هستند. بالاخره سفرای کشورهای اروپایی پس از چند ماه خروج ناکام از ایران به تهران بازگشتند.

بعد از انتخابات، هم خاتمی و هم مقام معظم رهبری تأکید کردند که این مشارکت بالا و این حماسه بزرگ یک تهدید بزرگ نظامی را از کشور دور کرد. تأکید مشترک رئیس‌جمهور وقت و رهبری بر این موضوع قطعاً صحت آن را قطعی می‌نماید.

اما این موضوع نشان می‌دهد که دشمن بر اساس میزان مشارکت ۱۳۷۲ جلوآمده بود و با انتخابات چهار سال بعد مجدداً خود را با جایگاه مردمی نظام جمهوری اسلامی تنظیم کرده است. این تجربه نشان می‌دهد

که چقدر میزان مشارکت مردم در انتخابات با امنیت کشور گره خورده است.

در همه انتخابات‌های ۲۴ سال گذشته مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری نمره قابل قبولی داشته و رقابت واقعی وجود داشته است. امسال به جهت تثبیت ویروس کرونا و فشار اقتصادی سه‌ساله، پیش‌بینی می‌شود این مهم تقلیل یابد، به همین دلیل مردم و حاکمیت نمی‌توانند طبق روال عادی با مسئله برخورد کنند.

اگر مشارکت بالاتر و حداکثری، امنیت‌آور است - که هست - باید زمینه‌های حضور حداکثری فراهم شود، البته ملت می‌داند که مشارکت بالا خط پایان محاصره سه‌ساله ملت ایران است و تودهنی را ان شاء الله خواهد زد. اما وجود: ۱. رقابت جدی، ۲. مناظره حقیقی، ۳. برنامه باورپذیر و ۴. کنترل حداکثری کرونا چهارعنصری

هستند که می‌توانند بخشی از مشارکت را اصلاح و نسبت به ۱۳۹۸ جبران کنند.

خلاصه می‌توانیم به تمام کسانی که حفظ و تداوم نعمت‌ها و داشته‌های امروزمان برایشان مهم است بگوییم که ای هم‌وطن! برای حفظ امنیت جانی و مالی و اقتصادی‌ات رأی بده تا شکر نعمت را به جای آورده باشی. که کفر نعمت^۳ از کفت بیرون کند!

ان شاء الله که قدر نعمت‌هایمان را بدانیم و ایران و ایرانی هرگز رنگ ناامنی جنگ و خونریزی را به خود نبیند. امنیت پایدار درگرو مشارکت همه ماست.

۳. نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ



برای دیدن سایر محصولات کد را اسکن کنید

نظرات ، انتقادات و پیشنهادات خود را از طریق آیدی
@mohb313 در پیام رسان ایتا با ما درمیان بگذارید.

در صورت تمایل به همکاری و اطلاع از سایر فعالیتهای
ستاد به آیدی
@mellat_emam_hosein
پیام بفرستید.

تلفن: ۰۲۵۳۲۶۰۳۶۷۷

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۸۷۷۷۱۱۰۱۱۴